

سرمقاله

وضعیت حاکم بر رسانه ها
باید تغییر کند

محمد رضا هویدا

رسانه ها و خبرنگاران، وظیفه دارند تا حوادث، حقایق و واقعیات جامعه بیان کنند. در جوامعی مثل افغانستان که درگیر بحران های مختلفی هستند، کار خبرنگاری یکی از خطرناک ترین کارها به شمار می رود. به عنوان نمونه، در کشوری که که در راس لست کشورهای دارای فساد اداری است، کار خبرنگاری که مبتنی بر کشف و بازگویی واقعیات است، چقدر سخت و دشوار خواهد بود. آزادی بیان، یکی از مولفه های اساسی دموکراسی و یکی از دستاوردهای مهم و قابل افتخار نظام دموکراتیک افغانستان است. آزادی بیان، بر فعالیت و تلاش مستمر و پیگیر رسانه ها و خبرنگاران بنا شده است. خبرنگاران در طول این سالها، به انجای مختلف مورد ظلم واقع شده اند، جان شان را برای گفتن حقایق از دست داده اند، مظلومانه تلاش کرده اند تا شهروندان کشور و جهان از حقایق افغانستان آگاه شوند.

کارنامه دولت های افغانستان در گذشته و حال، در برابر دفاع از رسانه ها و آزادی بیان، هر چند قابل افتخار نبوده ولی حد اقل، در سطح منطقه یکی از بهترین ها بوده است. در کشوری که حدود نیمی از آن درگیر در جنگی تمام عیار است، حفظ جان خبرنگاران سخت است، اما با آن هم در این کشور کمتر خبرنگاری به زندان می افتد و شکنجه می بیند، و یا از سوی دولت به قتل می رسد. در افغانستان، دولت به خبرنگاران کمک نمی کند، به رسانه ها سوبساید نمی دهد، دردی از دردهای آنها نمی کاهد، نمی تواند از آنها در مقابل زورمندان دفاع کند، اما در همین کشور صدها رسانه ها مجوز کار گرفته اند و کار می کنند، بدون اینکه سلطه و یا اجباری از سوی دولت در خط مشی و برنامه ها و محتویات شان داشته باشند. ده ها اتحادیه و انجمن خبرنگاری و صنفی وجود دارد که در قابل کوچکترین مسایل رسانه ها و اصحاب رسانه حساس هستند.

اما با همه اینها، کار خبرنگاری در افغانستان از سخت ترین، پرمشقت ترین و خطرناک ترین کارها است. از یک سو، دولت با تمام خواست ها، تلاش ها، حمایت و شعارهایش، دولتی ضعیف است که نمی تواند شهرها و ولسوالی های نه چندان دور از کابل را تحت حاکمیت خود نگهدارد و هر از گاهی میان دولت و دشمنانش دست به دست می شود، و از سوی دیگر، با گروه های تروریستی، افراط گرایان مذهبی، گروه های سلفی و ملیشه های بی مسئولیت و... روپرو است که آزادی بیان را اولین دشمن خود می دانند.

در عین حال، رسانه ها در افغانستان از کاستی ها و نارسایی هایی رنج می برند. این کاستی ها تنها با خواست، اراده و عزم جدی خود آنها و از راه توجه به مشکلات خودی و حل آنها از بین رفتنی است.

دولت وظیفه دارد به وظایف خود در قبال رسانه ها عمل نماید. وجود مشکلات، ناتوانی های دولت، وضعیت جنگی در بسیاری از مناطق افغانستان، وجود گروه های تروریستی و ... هیچ کدام نمی توانند بیهانه شوند برای عمل نکردن دولت به وظایفش. دولت می تواند جلو تخلفات و برخورد های خشن نیروهای امنیتی با رسانه ها را بگیرد، دولت باید در مقابل جرایم علیه رسانه ها در زودترین فرصت واکنش نشان دهد، دولت باید رسانه ها را دوست خود بداند و تصور اینکه رسانه ها در مقابل دولت هستند را از بین ببرد. دولت افغانستان با حمایت دیگر عناصر سیاسی و اجتماعی در کشور باید وضعیت حاکم بر رسانه ها را که هر روزه از این جمع قربانی می گیرد تغییر دهد. خسارات مادی و انسانی رسانه های گروهی رو به افزایش است، راه هایی وجود دارد و دولت باید به وضعیت حاکم که از رسانه ها قربانی می گیرد پایان دهد.

وقتی ما از دموکراسی سخن می گوئیم، چه منظور دموکراسی حد اقلی و سیاسی باشد یا دموکراسی حد اکثری و اجتماعی، لازم است ابتدا شناخت اولیه از چیستی دموکراسی و مؤلفه های اساسی آن داشته باشیم. بدون شناخت از اصول و اساسات دموکراسی فهم و درک ما از دموکراسی ضعیف و ناقص خواهد بود.

دموکراسی سیاسی در واقع روش و ترتیبات سازمان یافته ای است که در آن حکومت از طریق رقابت و مشارکت در انتخابات آزاد و عادلانه، منظم و دوره ای از آرای مردم به عنوان سرچشمه مشروعیت اقتدار سیاسی بهره می برد. ویژگی این نوع دموکراسی، نخست ایجاد زمینه های رقابت برای احراز مناصب دولتی است. دوم برای تصدی سمت ها و مقام های مهم دولتی انتخابات دوره ای، منصفانه و بدون استفاده از زور، اجبار و به گونه سراسری و عادلانه برگزار می شود، تا هیچ گروهی از جامعه از ساختار قدرت حذف و یا از حقوق شان محروم نگردد. مشخصه سوم این نوع دموکراسی آزادی های مدنی و سیاسی است تا در پرتو این آزادی ها زمینه مشارکت و انجام رقابت حقیقی در جامعه تضمین شود.

در دموکراسی سیاسی اگرچه تعیین حد و حدود دقیق آن دشوار می باشد؛ اما می توان اجزاء و عناصر تشکیل دهنده آن را به ترتیب زیر بر شماریم:

- ۱- مشروعیت مردمی: مشروعیت مردمی حکومت به این معنا است که قدرت حکومت چه در آغاز و منشأ و چه در دوام و بقا ناشی از رأی و رضایت مردم باشد. چون منشأ و مبدأ اقتدار در دموکراسی مردم است و حق حاکمیت سیاسی از آن مردم می باشد. پس این مردم است که تصمیم می گیرند که چه کسی و کسائی باید اقتدار سیاسی را در دست داشته باشند.

- ۲- مشارکت مردم در تصمیم گیری های عمومی: در نظام دموکراسی، مردم در تمامی پروسه های ملی مشارکت دارند و همه فرایندهای ملی با توجه به منافع عمومی مردم به پیش برده می شود. هر

تصمیم، برنامه و سیاستی که بدون آگاهی و با برخلاف منافع مردم گرفته شود، در نظام دموکراتیک از مشروعیت برخوردار نیست و نمی تواند یک تصمیم و سیاست دموکراتیک و ملی به شمار بیاید.

- ۳- رقابت: همانطور که در آغاز تذکر داده شد، رقابت یکی از اصول دموکراسی به شمار می آید. در نظامی که اصل رقابت جدی گرفته نشود، بدون شک تصمیم ها نخواهند رفت. بنابراین باید در یک نظام دموکراتیک رقابت وجود داشته باشد و برای احراز قدرت فضای رقابتی به وجود بیاید. اگر فضای رقابتی در کشور متنفی باشد، به این معنا است که حکومت و یا ساختار اجتماعی زمینه های بروز رقابت را گرفته و مانع ایجاد فضای رقابتی در جامعه گردیده است. بنابراین از این شرایط ما به این نتیجه می رسیم که ای حکومت دیکتاتوری است که می خواهد قدرت را به هسر دلیلی در اختیار خودش نگه دارد. یا جامعه تا هنوز به فرهنگ آزادی و دموکراسی آشنایی ندارد و ارزش های دموکراسی در این جامعه نا آشنا باقی مانده و یا همه پذیر نشده است.

البته منظور از مشارکت، مشارکت عادلانه، آگاهانه و آزادانه مردم است، وگرنه در بسیاری از نظام های توتالیتر و خودکامه نیز میزان بسیار بالایی از مشارکت مردم

رضا احسانی



در انتخابات وجود دارد، اما با آن هم نمی توان نظام های برآمده از درون انتخابات را دموکراتیک دانست و یا بر مشروعیت حکومت حکم داد. مشارکت توده وار و نا آگاهانه و یا اجباری مردم در پروسه های ملی، معنا ومفهوم مشارکت را بازتاب داده نمی تواند.

- ۴- آزادی های سیاسی و مدنی: درخت دموکراسی در جامعه ای بارور می شود که در آن آزادیهای اساسی مردم به رسمیت شناخته شود. این آزادی ها به روند مشارکت اجتماعی و سیاسی مردم در ساختار قدرت معنا می بخشد و رقابت ها را واقعی تر جلوه می دهد و به آن عمق و ژرفا می دهد.

- ۵- احزاب سیاسی: در فقدان احزاب گوناگون و متنوع سیاسی هم آزادی زیر سؤال می رود و هم پایه های رقابت سیاسی سنت و لژان می شود. از اینرو برای این که آزادی گسترش داده شود و به معنای واقعی کلمه مفهوم خود را باز یابد، باید احزاب سیاسی در جامعه شکل بگیرد، تا در سایه فعالیت احزاب سیاسی، دیدگاه ها و رویکردهای متفاوت به وجود بیاید و این پدیده بستری را فراهم آورد تا مردم از میان سیاست ها و رویکردهای گوناگون بهترین و مناسبترین آن را انتخاب کند. بدون حضور احزاب متعدد، انتخاب برای مردم

دشوار و ناممکن می گردد.

- ۶- آزادی رسانه ها و مطبوعات: مطبوعات و رسانه های آزاد شرایط اساسی تحقق دموکراسی به شمار می آید. بدون مطبوعات و رسانه های آزاد تحقق دموکراسی در جامعه امکان پذیر نمی گردد. رسانه ها فرصت مشارکت و رقابت سالم سیاسی را برای شهروندان فراهم می سازد و مانع از دخالت های بی مورد و غیر قانونی حکومت و اشخاص و افراد زورگو در فرایند های ملی می شود. رسانه های آزاد جلو خودکامگی و تمامیت خواهی حکومت را گرفته و بر شفافیت بیشتر روندهای ملی کمک می کند.

- ۷- حکومت قانون: تدوین و تصویب قوانینی که به رضایت عمومی مردم صورت گرفته باشد و منافع عمومی را مدنظر گرفته باشد، از یک طرف موجب ایجاد یک توافق عام و فراگیر ملی می گردد و جامعه را حول محوریت سیاسی واحد گرد هم می آورد، از سوی دیگر قوانین در واقع چارچوب حکومت دموکراتیک را تشکیل می دهد و به ایجاد اداره سالم، مشروع و قانونمند کمک می کند و فرایندها و روندهای ملی را همه پذیر می سازد.
- ۸- تفکیک قوا: تفکیک قوا در واقع ترتیباتی را برای جلوگیری از تمرکز قدرت و یکجانبه گرایی حکومت فراهم

رهبری مانند گورباچف رفاه مردمش را بر رفاه خود

ترجیح می دهد

نویسنده: جان شربین / مترجم: جانعلی شکرعلیزاده



زمان نیست. تصور کنیم اگر زمان شوروی تا کنون ادامه می داشت البته در بعضی از زمینه ها ممکن بود زندگی ما بهتر از حالا می بود؛ اما در عوض از خیلی از مزایایی که در حال حاضر داریم محروم می مانیم، فکر نمی کنم در تجارت بین المللی در وضعیت که حالا داریم می بودیم تجارت بین المللی اوکراین بسیار رشد کرده است، چه کسی می توانست در اتحاد جماهیر شوروی کشمکش های داخلی و مسرزی در جمهوری های پس از شوروی که امروز شاهدش هستیم پیش بینی کند، بخصوص روسیه و اوکراینی که با هم فاصله ها دارد و تا سرحد جنگ سرد دوم پیش رفت. بسیاری از مردم در روسیه و اوکراین هیچ خصومتی با هم ندارند آنها همدیگر را برادر می دانند و این دو کشور همسایه نسبت به هم هیچ کینه ای ندارند آنها اغلب صحبت می کنند که مورد سواستفاده قرار گرفتند در واقع آنها قربانی جنگ اطلاعات شدند کسانی هستند ششایه پراکنی می کنند و آن را برای مقاصد سیاسی شان به کار می برند. خاتم ایوانیکسو به رهبران حکومت توصیه می کند با مخالفتش از در سازش وارد شود. او می گوید من فکر می کنم سیاست مداران باید به اندازه کافی عاقل باشند و خودشان تصمیم بگیرند به یک توافق که مورد قبول دو طرف باشد برسند. گورباچف به خبرگزاری تاس روسیه گفت در باره کناره گیری از رهبری یکی از دو بزرگترین قدرت های جهان بسیار فکر کردم. هزینه نگهداری اتحاد جماهیر شوروی خیلی بالا بود و از توان ما خارج بود. من استعفا دادم که از خون ریزی جلوگیری شود. آتش آن می توانست کل کشور را نابود کند. اگر امروز به جنگ سرد دامن زده شود، آیا مانند دوران گورباچف در روز کریسمس سال ۱۹۹۱ بطور مسالمت آمیز خاموش خواهد شد. گورباچف شهامت و درایت کافی داشت. او رفاه مردم خویش را به رفاه خویش ترجیح داد. دعا می کنم در این روز کریسمس به ما چنین عاقل و درایتی عطا فرماید.

بودند. جنگ جهانی دوم این کشورها را واداشت که به شوروی ملحق گردند، پس از فروپاشی شوروی به اتحادیه اروپا پیوستند و ساکنین آن صاحب زندگی مدرن به سبک اروپایی شدند. مردم جمهوری های روسیه و اوکراین سابق برای ارتباط با جهان بیرون محدودیت هایی داشتند آنها پنجره کوچکی با دنیای بیرون برای خودشان باز کرده بودند، دیدگاه سنتی سیاستمداران و صاحبان صنایع بزرگ باعث شده این کشور مسیر طولانی تری را بپیمایند. ناتالیا ایوانیکو دانشجوی اوکراینی می گوید پدر بزرگ ما بارها آن دوران را با حال مقایسه می کند می گوید برای مثال در زمان شوروی من با چهار روبل می توانستم ده چاکلت بخرم در حالی که حالا حتی یک دانه چاکلت با آن پول خریده نمی توانم.

اوکراینی ها از بیست و پنج سال پیش برای این تغییر تلاش کردند، آنها بسیار راضی به نظر می آیند خانم میاسنیکو می گوید خوشحالم کنشورم در راه رسیدن به دموکراسی تلاش کرده است و این تلاش ها برای ایجاد فضای بازتر همچنان ادامه دارد من نمی گویم حالا ما هیچ محدودیتی نداریم اما می دانیم که آن مرزبندی های سفت و سخت آن

کرد، او می خواست ملت اش را با جهانیان همگام سازد، وضعیت زندگی آنان را بهبود دهد نه از بین ببرد. او اوایل این ماه به خبرگزاری تاس روسیه گفت اصلاحات و تغییرات در شوروی ضروری و شدنی بود، من تا آخرین لحظات از اتحاد جماهیر شوروی دفاع می کردم. هیچ کس فکر هم نمی کرد که روزی شوروی از هم بپاشد. شوروی توسط عوامل درونی خودش سقوط کرد. چندین کشور از جمهوری های سابق شوروی پس از آن دست به اصلاحات و نوآوری هایی زدند. در کل مردم روسیه، اوکراین و بالتیک از آزادی های بوجود آمده لذت می برند. آنها می توانند آزادانه صحبت کنند مسافرت بروند و از کالاهای لوکس و زندگی مدرن برخوردار باشند. انواع و اقسام کالا در بازار یافت می شود که قبلا چنین نبود. بلازوس کنشور که رهبری آن بدست کمونیستی که از زمان اتحاد شوروی به قدرت رسید در طول ۲۲ سال کم بطور آهسته به این آزادی ها دست یافت و دسترسی مردم به کالا امکان یافت. کشورهای بالتیک چندین دهه قبل از اینکه به اتحاد جماهیر شوروی ملحق شوند از استقلال کشورشان لذت برده

بیست و پنج سال پیش در چنین روزی در روز کریسمس ۱۹۹۱، اتحاد جماهیر شوروی به آرامی و بدون مشکلی منحل گردید و جنگ سرد بطور موثری خاتمه یافت. میخایل گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی استعفا داد و پانزده کشور از جمهوری های آن هر کدام در مسیر جداگانه ای قدم گذاشتند. این



بدون شرح

- بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کاریکاتورست: خالق علی زاده

□ دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
□ مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

□ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com